

ترتیب واژه و نظام مطابقه در گویش زروانی

شهرام گرامی (دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی)

چکیده: زروانی، یکی از گونه‌های زبان لارستانی است و به گروه زبان‌های ایرانی غربی جنوبی تعلق دارد. گویش زروانی در روستای زروان در جنوب استان فارس رایج است. در این مقاله، وضعیت رده‌شناختی ترتیب واژه و نظام مطابقه در زروانی، به ترتیب در چارچوب نظری درایر (1992) و کامری (1978) بررسی شده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد هر چند زروانی آمیخته‌ای از مؤلفه‌های رده‌شناختی فعل‌پایانی و فعل‌میانی است، اما به مشخصه‌های رده‌شناختی زبان‌های فعل‌میانی تمایل بیشتری دارد. مطابقه در زروانی به دو نظام الف) فاعلی - مفعولی و ب) غیرفاعلی - مفعولی تقسیم می‌شود. جملات ساخته‌شده از فعل‌های لازم فارغ از هر زمانی، و فعل‌های متعدی ساخته‌شده از ستاک حال فعل، نظام مطابقه فاعلی - مفعولی را بازنمایی می‌کنند. جملات ساخته‌شده از ستاک گذشته فعل‌های متعدی، نظام غیرفاعلی - مفعولی را به دست می‌دهند. نظام مزبور خود به سه رده (۱) سه‌بخشی، (۲) گنایی - مطلق و (۳) دوبخشی یا غیرفاعلی - غیرفاعلی تقسیم می‌شود. در گویش زروانی، اسم و ضمائر شخصی منفصل در نقش‌های فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (P) حالت‌نمای صفر دارند.

کلیدواژه‌ها: ترتیب واژه، جفت‌های همبستگی، نظام مطابقه، حالت‌نمایی، واژه‌بست‌های

شخصی

۱. مقدمه

زَروان روستایی از توابع بخشِ صحرای باغ شهرستان لارستان است که در جنوب استان فارس واقع شده‌است. صحرای باغ نام یکی از بخش‌های شش‌گانه شهرستان لار است که از تلفیق دو دهستان باغ و عمادده تشکیل شده‌است و فاصله مرکز آن (عمادده) با مرکز شهرستان حدود ۹۰ کیلومتر است (شهبازی ۱۳۹۵: ۹). بنابه گفته حسن فسایی در فارسانامه، صحرای باغ دشت وسیعی است از مضافات شهر لار که در چهار فرسخی جنوب شهر لار قرار گرفته، چندین قریه در آن قرار دارد مانند هرمز و باغ و سردشت و عمادده (همان‌جا). شهر عمادده به‌عنوان مرکز بخش صحرای باغ تنها نقطه شهری این بخش محسوب می‌شود و روستاها و آبادی‌های بخش عبارت‌اند از: هُرمود، زَروان، دشتی، خَلور، ده‌میان، کشکویه، باغ، کارگاه، حاجی‌آباد، بنو، تُلکشی، چاه‌ریگی، گاوبست، کردشیح، حسین‌آباد و دیده‌بان (همان: ۳۲).

گویش زَروانی یکی از گونه‌های زبان لارستانی است که در روستای زَروان رایج است. این گویش به مانند سایر گونه‌های لارستانی، به شاخه زبان‌های ایرانی نو غربی جنوبی تعلق دارد. به‌دلیل مهاجرت‌های مردم این روستا به شهرها و مناطق بزرگ‌تر و نفوذ زبان فارسی به‌عنوان زبان زبرین، گویش زروانی گونه زبانی در خطر محسوب می‌شود. گویش زروانی گونه نوشتاری و رسمی ندارد و تا آنجا که نگارنده مطلع است، تحقیقات زبان‌شناختی اندکی درباره آن صورت گرفته‌است.

در این مقاله سعی شده‌است که وضعیت رده‌شناختی ترتیب واژه براساس مؤلفه‌های بیست‌وچهارگانه رده‌شناختی درایر (1992) و سازوکار مطابقه شخص برای بازنمایی فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (P) در جمله برپایه الگوهای پنج‌گانه معرفی‌شده در مقاله کامری (1978) بررسی شود. پیکره زبانی موجود برپایه پرسش‌نامه برگرفته از کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، تألیف دبیرمقدم (۱۳۹۲) است که از گویشوران بومی بی‌سواد، کم‌سواد و باسواد زروانی گردآوری شده‌است. متن آوانگاری شده به‌لحاظ صرفی، نحوی و معنایی تقطیع و با استفاده از شم زبانی یکی از گویشوران تحصیل‌کرده

و معیارهای زبان‌شناختی تجزیه و تحلیل شده است.^۱ پرسش‌های مطرح‌شده در دو قلمرو ترتیب واژه و نظام مطابقت عبارت‌اند از: (۱) مطابق با نظریه سوی انشعاب درایر (1992)، مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه در زروانی تابع کدام الگوی رده‌شناختی ترتیب واژه، یعنی، فعل‌پایانی OV یا فعل‌میانی VO است؟ (۲) وضعیت رده‌شناختی ترتیب واژه در زروانی، در منطقه خود، یعنی اروپا-آسیا و کل جهان چگونه است؟ (۳) نظام مطابقت در گویش زروانی، بر پایه الگوهای پنج‌گانه منطقاً محتمل در مقاله کامری (1978) چگونه عمل می‌کند؟

۱.۱. مفاهیم کلیدی

ترتیب واژه مطابق با تعریف فرهنگ زبان‌شناسی کمبریج (Brown and Miller 2013: 474-475)، اصطلاح ترتیب واژه^۲ به ترتیب واژه در عبارت و ترتیب عبارت در جمله دلالت دارد. اصطلاح ترتیب سازه^۳ مناسب‌تر، اما کاربرد ترتیب واژه رایج‌تر است. ترتیب واژه در هر زبانی دارای یک صورت اصلی و صورت‌های غیراصولی است. به‌عنوان نمونه، ترتیب اصلی سازه در زبان انگلیسی به صورت فاعل - فعل - مفعول، در ترکی به صورت فاعل - مفعول - فعل و در عربی، فعل - فاعل - مفعول است. در بسیاری از زبان‌های فعل‌آغازین (فعل - مفعول)، یعنی زبان‌هایی که فعل پیش از مفعول واقع می‌شود، حرف اضافه پیش از اسم ظاهر می‌شود، در صورتی که در بیشتر زبان‌های فعل‌پایانی (مفعول - فعل)، یعنی، زبان‌هایی که در آنها فعل پس از مفعول بیان می‌شود، حرف اضافه پس از اسم نمود می‌یابد. ترتیب واژه / سازه در برخی از زبان‌ها ثابت و در برخی دیگر غیرثابت یا آزاد است. به گفته سیویرسکا (Siewierska 1988)، به نقل از سونک (Song 2001)، تصور می‌شود که ترتیب اصلی سازه یا واژه جمله‌ای است در وجه اخباری، مستقل و خنثی به‌لحاظ سبک‌شناسی که فعل آن نه بر وضعیت، بلکه به کنش یا رویدادی دلالت کند که موضوع‌ها یا مشارکین آن

۱. از آقای محمد جمال‌زاده، ۲۱ ساله، دانشجوی رشته الکترونیک، متولد و بزرگ‌شده روستای زروان که در جمع‌آوری بیکره زبانی از گویشوران زروانی و همچنین پاسخ به پرسش‌نامه نگارنده همکاری نمودند، بسیار سپاسگزارم.

جمله، یعنی فاعل و مفعول به صورت گروه‌های اسمی کامل نمود یافته‌است، به طوری که فاعل جمله، معرفه، کنشگر، انسان و مفعول جمله پذیرا و معرفه باشد.

جفت‌های همبسته: اگر ترتیب جفت‌های X و Y چنین باشد که X و Y به ترتیب با فعل (V) و مفعول (O) همبستگی داشته باشند، آنگاه زوج XY یک جفت همبسته محسوب می‌شود و X همبسته با فعل و Y در این جفت همبسته با مفعول است (Dryer 1992: 82).

مطابقه: به گفتهٔ دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۴۵-۴۸)، مطابقه را که مطابقت، هم‌نمایی و ارجاع متقابل نیز خوانده‌اند، سازوکاری است برای صورت‌بندی نقش‌های دستوری فاعل و مفعول. بارزترین جلوهٔ مطابقه همان تطابق فعل و فاعل است که به صورت پسوند مطابقهٔ فاعلی یا همان شناسه در فعل بازنمایی می‌یابد (مانند پسوندهای -ایم، و -اند در مثال‌های رفته‌ایم و نوشتند). علاوه بر شناسه‌های فعلی، دبیرمقدم (همان: ۴۶-۴۷) نیز با اندرسن (2005) هم‌عقیده است که ضمیرهای واژه‌بستی یا همان ضمیرهای متصل را گونه‌ای از مطابقه برشمرد. به‌عنوان نمونه، در اکثر زبان‌های ایرانی رایج در ایران از سازوکار ضمیر واژه‌بستی یا همان ضمیرهای متصل برای ارجاع به فاعل دستوری فعل‌های متعدی در زمان گذشته استفاده می‌شود. همچنین در زبان فارسی امروز، این ضمیرها برای ارجاع به مفعول (محدوف) جمله‌ها به کار می‌روند (مانند واژه‌بست‌های ضمیری -آش در بردمش، و -مان در جزء غیرفعلی فعل مرکب (خوشحالمان کردی) (همان‌جا). از منظر رده‌شناسی زبان، وی به مقالهٔ کوربت (2003) و کتاب او با عنوان مطابقه (2008) اشاره کرده که در خصوص مطابقه گفته‌است، مطابقه پدیده‌ای گسترده و متنوع است. در بعضی زبان‌های جهان فراگیر است، حال آنکه در بعضی دیگر یافت نمی‌شود. از نظر استیل (1978، به نقل از Corbett 2008)، مطابقه معمولاً به نوعی تغییر مشترک منظم بین ویژگی معنایی یا صوری یک عنصر و ویژگی صوری عنصر دیگری دلالت می‌کند.

واژه‌بست: به گفتهٔ اسپنسر (1991: 350)، واژه‌بست‌ها عناصری هستند که در برخی مشخصه‌ها شبیه به واژه‌های کامل‌اند، اما مانند واژه‌های کامل مستقل نیستند. یعنی، واژه‌بست نمی‌تواند به تنهایی به کار رود و می‌بایست به لحاظ آوایی به میزبان خود متکی باشد. این ویژگی باعث

شده است تا اندازه‌ای شبیه وندها، خصوصاً وندهای تصریفی شوند. اسپنسر معتقد است که واژه‌بست‌ها به لحاظ تاریخی صورت تبدیل یافته واژه‌های کامل به وندهای تصریفی اند و به لحاظ عملی و نظری نمی‌توان تعریفی یکدست و جامع برای واژه‌بست به دست داد. وی می‌افزاید که در برخی از زبان‌ها، قاعده‌های واجی دخیل در مقولۀ واژه‌بست متفاوت از نوع اعمال شده آنها در وندهاست. واژه‌بست‌ها عموماً به هر واژه قدیمی که جایگاه مناسبی در جمله داشته باشد اضافه می‌شوند، در صورتی که وندها فقط به طبقۀ خاصی از واژه‌ها یا ستاک‌ها اضافه می‌شوند. با این وصف، قاعده‌های مذکور نیز استثناهایی دارند.

کُنایی‌بودگی: جاناناتان سیلی (1977) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ‌نگاری کُنایی» درباره اصطلاح کُنایی^۱ می‌گوید که پذیرفته‌ترین تعریف کُنایی مبتنی بر حالت دستوری است، یعنی حالتِ فاعل فعل متعدی که طبق آن، این حالت در تقابل با حالت دومی به نام حالت مطلق (یا فاعلی) قرار می‌گیرد که شامل هم فاعل فعل لازم و هم مفعول فعل متعدی می‌شود (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۴۹). سیلی در ادامه می‌افزاید که به نظر می‌رسد اصطلاح ارگتیو، یا کُنایی را آدولف دیر در سال ۱۹۱۲ وضع کرده است. این اصطلاح برگرفته از واژه یونانی *ergon* به معنی «کار» یا «عمل» است و از این رو به لحاظ معنایی شبیه اصطلاحات عملی و عاملی است (همان‌جا).

۲. پیشینه تحقیق

ترتیب واژه، یکی از مباحث اصلی حوزه رده‌شناسی زبان است که به توالی سازه‌های زبانی بر پایه برخی مؤلفه‌های بنیادی رده‌شناختی در زبان‌های جهان می‌پردازد. یکی از چهره‌های صاحب‌نام در این حوزه جوزف گرینبرگ (1966; 1963) بود. مشاهدات تجربی و رده‌شناختی گرینبرگ از زبان‌های جهان حاکی از وجود سه سازه اصلی، یعنی، فاعل اسمی (S)، مفعول اسمی (O) و فعل (V) در جمله بود. از این میان، فعل (V) مبنای اصلی رابطه با دو سازه دیگر بود (Comrie 1989). به گفته کامری (Ibid: 87)، با در نظر گرفتن سه سازه مذکور،

1. ergative

شش توالی زیر ممکن می‌شود: (۱) فاعل - مفعول - فعل، (۲) فاعل - فعل - مفعول، (۳) فعل - فاعل - مفعول، (۴) مفعول - فعل - فاعل، (۵) مفعول - فاعل - فعل، (۶) فعل - مفعول - فاعل. کامری سپس می‌نویسد، از ۶ ترتیب ممکن، فقط سه ترتیب الف) فعل - فاعل - مفعول (VSO)، ب) فاعل - فعل - مفعول (SVO) و پ) فاعل - مفعول - فعل (SOV) به‌لحاظ آماری ترتیب‌های غالب و بی‌نشان‌اند و سایر ترتیب‌ها، مثل (OVS، VOS) و (OSV) وجود ندارند یا بسیار نادرند.

گرینبرگ بر اساس ترکیبی از چهار شاخص (۱) VSO، SVO، SOV، (۲) پیش‌اضافه و پس‌اضافه، (۳) مضاف و مضاف‌الیه و (۴) صفت و موصوف، ۲۴ رده منطقی را برای زبان‌های جهان مطرح می‌کند که در عمل به دو رده کلی دسته‌بندی می‌شود (Ibid: 95). الف) فعل - مفعول (VO)، پیش‌اضافه، مضاف - مضاف‌الیه، موصوف - صفت، ب) مفعول - فعل (OV)، پس‌اضافه، مضاف‌الیه - مضاف، صفت - موصوف.

لیمان (1973) و ونمان (1974) نیز، از جمله زبان‌شناسانی بودند که ترتیب رده‌شناختی سه‌جزئی گرینبرگ (یعنی، فاعل، مفعول و فعل) را به ترتیب دوجزئی مفعول و فعل کاهش دادند. به عبارت دیگر، توالی سه‌جزئی گرینبرگ را به یک تقسیم‌بندی دوشقی مفعول - فعل (OV) و فعل - مفعول (VO) تعمیم دادند. با پذیرش این تقسیم‌بندی رده‌شناختی دوشقی، یعنی، زبان‌های رده فعل - مفعول (VO) در تقابل با زبان‌های رده مفعول - فعل (OV)، دراپر (81: 1992) در مقاله‌ای تحت عنوان «همبستگی‌های ترتیب واژه گرینبرگی» عنوان می‌کند که بعضی از مقوله‌های دستوری با فعل و برخی دیگر با مفعول هم‌الگو می‌شوند. به‌عنوان نمونه، زبان‌های رده مفعول - فعل، گرایش به پس‌اضافه دارند، در صورتی که زبان‌های رده فعل - مفعول تمایل به پیش‌اضافه دارند. دراپر با بررسی آماری داده‌های زبانی از ۶۲۵ زبان نتیجه می‌گیرد که نتایج آماری به‌دست آمده، ترتیب برخی از جفت‌های دستوری را با فعل و مفعول تأیید، و برخی دیگر را رد می‌کند. وی در تعریف خود از جفت‌های X و Y می‌نویسد، اگر X و Y، به ترتیب با آرایش فعل و مفعول همبسته باشند، آنگاه جفت (X, Y) جفت همبسته است و X با فعل و Y با مفعول همبسته می‌باشد. از

دیگر موضوع‌های مورد علاقه رده‌شناسان زبان، شیوه بازنمایی روابط موضوع‌های اصلی جمله مثل فاعل فعل لازم (S)، مفعول فعل متعدی (P) و عامل (A) یا فاعل فعل متعدی در جمله است. شیوه نشانه‌گذاری این سه موضوع اصلی جمله و نوع مطابقت آنها با فعل در بندهای لازم و متعدی، مطابق با معیارهای پیشنهادی کامری (1978)، به صورت پنج وضعیت منطقاً محتمل است که شرح آن در بخش‌های بعدی این مقاله خواهد آمد.

۳. مبانی نظری

در قلمرو ترتیب واژه، درایر (1992) با تقسیم‌بندی رده‌شناختی زبان‌های جهان به دو رده فعل‌آغازین VO در تقابل با زبان‌های فعل‌پایانی OV از منظر نظریه هسته - وابسته^۱، می‌نویسد که ضعف این نظریه آن است که در تعیین هسته از وابسته، فرضیه‌مدار است. به عنوان مثال، در زبان انگلیسی، صفت از دیدگاه اندرسن (1976) و ابنی (1987) هسته تلقی می‌شود و اسم وابسته. در گونه‌های پیشین دستور زایشی، متمم‌های جمله، جمله تیره (S') و خود جمله (S) هسته تلقی می‌شد، در صورتی که در آثار اخیر استاول (1981) و چامسکی (1986) و همچنین از دیدگاه ولمان، هارلو (1977) و هادسن (1984)، متمم‌ها هسته تلقی شده‌اند. از سوی دیگر، برخی از جفت‌های دستوری مثل اسم و صفت، صفت اشاره و اسم، و قید مقدار و صفت که براساس جدول‌های آماری درایر از زبان‌های جهان، با سازه‌های فعل و مفعول همبسته نیستند، در نظریه هسته - وابسته، جفت همبسته تلقی شده‌اند. درایر (105-106) گونه دیگری از نظریه هسته - وابسته، یعنی، نظریه هسته - متمم^۲ (HCT) را مطرح می‌کند که مطابق با نظریه مذکور، سازه‌های هم‌الگو با فعل، هسته و سازه‌های هم‌الگو با مفعول متمم‌اند. به دیگر سخن، جفت X و Y در زبان‌های رده فعل - مفعول (VO) به طور قابل ملاحظه‌ای، در مقایسه با زبان‌های رده مفعول - فعل (OV)، ترتیب XY را خواهد داشت اگر X هسته و Y متمم باشد.

1. the head-dependent theory

2. the head-complement theory

به باور درایر، نظریه هسته - متمم می‌تواند جفت‌های غیرهمبسته آماری، مثل اسم و صفت، صفت اشاره و اسم و قید مقدار و صفت را به این دلیل که سازه متمم ندارند تبیین کند، اما جفت‌هایی مثل فعل و قید حالت، فعل و گروه حرف اضافه‌ای، مضاف و مضاف‌الیه، صفت و مبنای مقایسه، اسم و بند موصولی برای نظریه هسته - متمم مسئله‌ساز هستند، زیرا به نظر می‌رسد در جفت‌های مذکور، سازه‌هایی مثل قید حالت، گروه حرف اضافه، مبنای مقایسه و بند موصولی افزوده باشند و نه متمم (Ibid). درایر پس از تجزیه و تحلیل‌های طولانی در این موضوع نتیجه می‌گیرد که برخی از اعضای سازه‌های همبسته گروهی و برخی دیگر غیرگروهی هستند. این تحلیل، منجر به طرح نظریه‌ای جایگزین برای هر دو نظریه هسته - وابسته و هسته - متمم می‌شود. نظریه‌ای که نه تنها مبتنی بر تمایز بین هسته و وابسته است، بلکه به وجود تفاوت بین سازه‌های گروهی و غیرگروهی نیز قائل است. بنابراین، نظریه سوی انشعاب^۱ را تحت عنوان نظریه‌ای جایگزین برای دو نظریه قبل، یعنی نظریه هسته - وابسته و نظریه هسته - متمم، مطرح می‌کند.

نظریه سوی انشعاب: سازه‌های همبسته با فعل مقوله‌های غیرگروهی (یعنی غیرانشعابی یا واژگانی) و سازه‌های همبسته با مفعول، مقوله‌های گروهی یا انشعابی هستند. به عبارت دیگر، جفت X و Y در زبان‌های رده فعل - مفعول (VO) به‌طور قابل ملاحظه‌ای، در مقایسه با زبان‌های رده مفعول - فعل (OV)، ترتیب XY را خواهد داشت، چنانچه X مقوله غیرگروهی و Y مقوله گروهی باشد. براساس این نظریه، زبان‌های جهان به یکی از دو وضعیت آرمانی تمایل دارند. زبان‌های راست‌انشعابی که در آنها، مقوله‌های گروهی به دنبال مقوله‌های غیرگروهی واقع می‌شوند و زبان‌های چپ‌انشعابی که در آنها مقوله‌های گروهی پیش از مقوله‌های غیرگروهی قرار می‌گیرند (Ibid: 109). درایر (Ibid: 129) معتقد است که تمایل یکپارچه زبان‌ها به یکی از دو وضعیت راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی، ناشی از سهولت پردازش ساختارهای زبانی توسط ذهن انسان است. یعنی، در زبان‌هایی که ساخت‌های دستوری آن به‌صورت یکپارچه به سمت چپ یا فقط راست سو می‌گیرند،

پردازش آنها نسبت به زبان‌هایی که سوی انشعاب در ساختارهای آن غیر یکپارچه است، آسان‌تر است. در قلمرو نظام مطابقت و حالت‌نمایی، کامری (1978; 1989)، پنج نظام منطقیاً محتمل برای اختصاص حالت به سازه‌های اصلی جمله، یعنی، فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (P) مطرح می‌کند که شرح آن در بخش ۵ این مقاله آمده است.

۴. تحلیل دستوری مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه در زروانی

در این بخش بر اساس پیکره زبانی موجود، وضعیت رده‌شناختی ترتیب واژه در گویش زروانی مطابق با مؤلفه‌های رده‌شناختی درایر و جدول‌های آماری وی (1992: 83-127) از جفت‌های همبستگی در دوره فعل‌پایانی و فعل‌میانی قوی و ضعیف در منطقه زبان‌های اروپا - آسیا و کل زبان‌های جهان سنجیده می‌شود. در این باره، دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۸) عنوان می‌کند که ۶ جفت دستوری، یعنی، مؤلفه‌های ۱۹ تا ۲۴ در مقاله درایر (1992) مطرح نیستند ولی در پایگاه داده‌های کنونی او موجودند. مؤلفه‌های ۹، ۱۰، ۱۱، و ۱۲ به لحاظ آماری جفت‌های همبسته محسوب نمی‌شوند و مؤلفه‌های ۱۷ و ۱۸ نیز طبقه‌بندی قطعی نشده‌اند (همان‌جا). نگارنده با پیروی از دبیرمقدم مؤلفه‌های مذکور را در این تحلیل به کار برده است.

مؤلفه ۱: نوع حرف اضافه

گویش زروانی، عموماً پیش‌اضافه‌ای است. در یک مورد نیز پس‌اضافه مشاهده شده است (مثال ۸). تعدادی از پیش‌اضافه‌های آن عبارت‌اند از: a «به؛ با»، xoy «با»، bā «با»، az «از»، ali «روی»، a-te «در داخل»، ase «برای». در فعل‌های متعدی زمان گذشته، پیش‌بست‌های مفرد ضمیری (om = / ot = / oš =) در ترکیب با وند اخباری در ستاک فعل، فعل کمکی و یا حرف اضافه در گروه حرف‌اضافه‌ای که با واکه آغاز می‌شوند، واکه آغازین خود را از دست داده و صورت همخوان آنها با واکه آغازین سازه‌های مذکور یک هجا را می‌سازد (مثال‌های ۹، ۲۰، ۳۶، ۳۷، ۸۰). در مثال‌های (۴) و (۱۰)، واکه پایانی پیش‌بست ضمیری جمع، یعنی šō (آنها)، هنگامی که تکواژ پس از آن با واکه آغاز شود، حذف

می‌شود. گفتنی است که در فعل‌های متعدی زمان گذشته، واژه‌بست‌های فاعلی، معمولاً به صورت پیش‌بست، قبل از ستاک گذشته فعل یا پیش از مفعول حرف اضافه‌ای واقع می‌شوند (مثال‌های ۱ و ۲). به عبارت دیگر، میزبان پیش‌بست‌های فاعلی، مفعول حرف اضافه‌ای یا ستاک فعل است. در مثال (۶)، با حذف واژه آغازین واژه‌بست مفرد، جزء غیرفعلی فعل مرکب میزبان نوایی^۱ واژه‌بست ضمیری شده است.

(۱) من کتاب را به مریم دادم.

ma	ketāb	m = a mariyam	da
I	book	1sg = to Maryam	gave

(۲) من کتاب را به مریم دادم.

ma	ketāb	a mariyam	om = da
I	book	to Maryam	1sg = gave

(۳) آنها کتاب را از مریم گرفتند.

a:niyā	ketāb	az maryam	še = vos-i
they	book	from Maryam	3pl = get(pst)

(۴) آنها کتاب را از مریم گرفتند.

a:niyā	ketāb	š = az	maryam	vos-i
they	book	3pl = from	maryam	get-pst

(۵) در را با کلید باز کردیم.

dar	bā kelil	bāz	mo = ki
door	with key	open	1pl = do(pst)

(۶) به دیوار تکیه دادم.

a dowār	takiya = m	da	/	a dowār	takiya	om = da
against wall	lean = 1sg	do(pst)	/	against wall	lean = 1sg	1sg = do(pst)

(۷) او در فروشگاه برای من کار می‌کند.

ana	a-te duku	a-se ma	kār	a-ku-y
he/she	in store	for me	work	prog-do-3sg

(۸) برایتان می‌خریشم.

t = ase a-xel-am
2sg = for prog-ov-1sg

مؤلفه ۲: توالی هسته اسمی و بند موصولی

هسته اسمی پیش از بند موصولی به کار می‌رود. نشانه *i*- پس از هسته اسمی نقش معرفه را ایفا می‌کند.

(۹) مردی که با شما صحبت می‌کرد معلم است.

mard-i ke xoy soma gap š = e-zat moalem hen
man-def that with you talk 3sg = prog-do(pst) teacher Be(prst)

(۱۰) آنها مردی را که آمد می‌شناسند.

a:niyā mard-i ke hond š = a-šēnās-en
they man-def that came 3pl = prog-know-3pl

گفتنی است که در مثال (۱۰)، در نتیجه عملکرد فرایند واجی ادغام واکه پایانی واژه بست سوم شخص جمع، $\text{šo} =$ با واکه آغازین تکواژ دستوری *a-* (نشانه نمود استمراری)، صورت $\text{š} = \text{a-šēnās-en}$ حاصل شده است.

پروژه کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مؤلفه ۳: توالی مضاف و مضاف‌الیه

در گویش زروانی مضاف قبل از مضاف‌الیه واقع می‌شود. نشانه اضافه دارای دو صورت *e-* بعد از همخوان و *y-* بعد از واکه است. هر دو صورت در نقش هسته‌نما بعد از هسته اسمی ظاهر می‌شوند. همچنین، این نشانه در ترکیب صفت و موصوف، پس از هسته اسمی یا موصوف ظاهر می‌شود.

(۱۱) برادر من

kāke-y ma
brother-Ez me

(۱۲) کتاب آنها

ketāb-e a:niyā
 book-Ez them

گفتنی است که ضمایر شخصی منفصل در زرروانی، به لحاظ حالت نمایی، در حالت فاعلی و مفعولی و اضافه‌ای شکل یکسانی دارند.

مؤلفه ۴: توالی صفت و مبنای مقایسه

صفت می‌تواند هم پیش از مبنای مقایسه بیاید و هم پس از آن.

(۱۳) بزرگ‌تر از مریم

gap-tar az maryam
 big-er from Maryam

(۱۴) از مریم بزرگ‌تر

az maryam gap-tar
 from Maryam big-er

مؤلفه ۵: توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای

گروه حرف اضافه‌ای قبل از فعل ظاهر می‌شود.

(۱۵) آنها روی زمین خوابیدند.

a:niyā ali zemi xat-en
 they on ground slept-3pl

(۱۶) او در را با کلید باز کرد.

ana dar bā kelil bāz oš = ki
 he/she door with key open 3sg = did

مؤلفه ۶: توالی فعل و قید حالت

قید حالت قبل از فعل می‌آید.

(۱۷) آهسته دویدند.

ya:vāš ša = xiz ki
 slowly 3pl = run did

فعل دویندند، فعلی لازم است ولی در این گویش، به صورت مرکب است و هم‌کرد متعدی تلقی می‌شود و رفتاری مشابه با فعل‌های متعدی زمان گذشته را نشان می‌دهد. با وجود این، برخلاف قاعده اصلی، فعل اصلی (هم‌کرد) میزبان پیش‌بست فاعلی نشده است.

مؤلفه ۷: توالی فعل اسنادی و گزاره

گزاره قبل از فعل اسنادی می‌آید.

(۱۸) آن مرد معلم است.

ana mard-i moalem hen
 that man-def teacher Be(prst)3sg

مؤلفه ۸: توالی فعل خواستن و فعل بند پیرو

فعل خواستن پیش از فعل بند پیرو قرار دارد. گفتنی است که فعل خواستن که تصریف زمان حال دارد، به لحاظ مطابقت همچون فعل‌های متعدی زمان گذشته رفتار می‌کند. ستاک فعل مزبور، a-sā (می + خواه) است که در ترکیب با پیش‌بست‌های ضمیری به صورت زیر عمل می‌کند: واژه آغازین پیش‌بست‌های ضمیری مفرد (= oš, ot, om) حذف می‌شود، همخوان‌های برجای مانده با واژه آغازین a- که نشانه نمود استمراری در مصدر خواستن است، ترکیب می‌شوند و در نتیجه این فرایند واجی، به صورت‌های (m = ey, t = ey, š = ey) ظاهر می‌شوند. در پیش‌بست‌های ضمیری جمع (= šo, to, mo)، در نتیجه ادغام واجی واژه‌های پایانی پیش‌بست‌های ضمیری با واژه آغازین نمود استمراری -a، صورت‌های زیر به دست می‌آید (m = ay, t = ay, š = ay).

(۱۹) آنها می‌خواهند درس بخوانند.

a:niyā š = avisā (š = aysā) dars vā-xen-en
 they 3pl = want lesson subj-read-3pl

(۲۰) می‌خواهم این کتاب را بخوانم.

ma m = ey-(sā)sey e/ede ketāb-i vā-xan-em
 I 1sg = want this book-def subj-read-1sg

صیغگان فعل اصلی خواستن به قرار زیر است:

مفرد: (۱) $m = eys\bar{a}$. ۲ $t = eys\bar{a}$. ۳ $\check{s} = eys\bar{a}$ جمع: (۱) $m = ays\bar{a}$. ۲ $t = ays\bar{a}$. ۳ $\check{s} = ays\bar{a}$

مؤلفه ۹: توالی موصوف و صفت

صفت پس از موصوف واقع می‌شود.

(۲۱) زن زیبا

zen-e gaš
 woman-Ez beautiful

مؤلفه ۱۰: توالی صفت اشاره و اسم

صفت اشاره قبل از اسم می‌آید. نشانه ۱- پس از هسته اسمی نقش معرفه را ایفا می‌کند.

(۲۲) آن مرد

ana mard-i
 that man-def

(۲۳) این دختر

ede/e dot-i
 this daughter-def

(۲۴) این کتاب

ede/e ketāb-i
 this book-def

(۲۵) این کتاب‌ها

e/ede ketāb-i-yā
 this book-def- plural

(۲۶) این مردان

e/ede mard-i-yā
 this man-def-plural

(۲۷) آن زنان

ana zen-i-yā
that woman-def

نشانهٔ *-ī* پس از هستهٔ اسمی نقش معرفه را ایفا می‌کند.

مؤلفهٔ ۱۱: توالی قید مقدار و صفت
قید مقدار پیش از صفت جای دارد.

(۲۸) بسیار بلند

xeyli derāz
very tall

مؤلفهٔ ۱۲: توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان - نمود
در گویش زروانی برای بیان مفهوم زمان آینده از صورت مضارع فعل استفاده می‌شود.

(۲۹) خواهیم آمد/ می‌آیم.

a-teyn-em
prog-come-1sg

خواهی آمد/ می‌آیی.

a-teyn-eš
prog-come-2sg

خواهد آمد/ می‌آید.

a-teyn-i
prog-come-3sg

خواهیم آمد/ می‌آییم.

a-teyn-am
prog-come-1pl

خواهید آمد/ می‌آیید.

a-teyn-ey
prog-come-2pl

خواهند آمد/ می‌آیند.

a-teyn-en
prog-come-3pl

(۳۰) خواهم رفت/ می‌روم.

a-çe-m
prog-go-1sg

(۳۱) خواهی خورد/ می‌خوری.

a-xor-eš
prog-eat-2sg

(۳۲) نصیحت خواهم کرد/ نصیحت می‌کنم.

nesihat a-kon-em
advice prog-do-1sg

نکته قابل توجه برای بیان مفهوم نمود استمراری در زمان حال، استفاده از وند یا پسوند ā- یا -o در پایان ستاک فعل گذشته است.

(۳۳) من دارم می‌نویسم.

ma a-nevešt-ā/o-m
I prog-wrote-ing-1sg

(۳۴) دارم می‌خورم.

a-xard-ā-m
prog-ate-ing-1sg

(۳۵) دارم نصیحت می‌کنم.

nesihat a-kerd-ā-m
advice prog-did-ing-1sg

برای بیان مفهوم نمود استمراری در زمان گذشته، از همان ساخت نمود عادت در زمان گذشته استفاده می‌شود.

(۳۶) مریم داشت کار می‌کرد.

maryam kar š = a-ki
Maryam work 3sg = prog-did

(۳۷) داشتم می‌خوردم.

m = a-xa

1sg = prog-eat(pst)

در گویش زروانی، ماضی نقلی در فعل‌های لازم از ترکیب ستاک گذشته فعل و پسوند اسم مفعول ساز e/o- به اضافه تکواژ s- (زمان حال فعل بودن) و شناسه‌های فعل ربطی پی‌بستی ساخته می‌شود. در فعل‌های متعدی کامل و گذشته، تکواژ s- و شناسه فعل ربطی پی‌بستی به ستاک اسم مفعول اضافه نمی‌شود.

(۳۸) آنها آمده‌اند.

a:niyā hond-e-s-en

they come(pst)-prf-Be-3pl

(۳۹) خورده‌ام.

om = xard-e

1sg = eat(pst)-prf

برای بیان مفهوم ماضی بعید، فعل کمکی در فعل‌های لازم ساده پس از ستاک اسم مفعول و در فعل‌های مرکب، پس از ستاک اسم مفعول هم‌کرد، یا جزء فعلی فعل مرکب ظاهر می‌شود.

(۴۰) رفته بودم.

raft-e

sun-em

go(pst)-prf

Be(pst)-1sg

(۴۱) خورده بودی.

ot = xard-e

sun

2sg = eat(pst)-prf

Be(pst)

(۴۲) نصیحت کرده بود.

nesihat = oš

kerd-e

sun

advice = 3sg

do(pst)-prf

Be(pst)

برای بیان وجه التزامی در زمان گذشته، فعل کمکی بعد از فعل اصلی به کار می‌رود.

(۴۳) خورده باشم.

om = xard-e bi
1sg = eat(pst)-prf Be(subj)

(۴۴) نصیحت کرده باشند.

nasihat = šo kerd-e bi
advice = 3pl do(pst)-prf Be(subj)

برای بیان مضارع التزامی، پیشوند وجه التزامی -bo این مفهوم را صورت‌بندی می‌کند.

(۴۵) بخورید.

bo-xor-ey
subj-eat-2pl

مؤلفه ۱۳: توالی ادات استفهام و جمله

در این گویش ادات استفهام در صورت کاربرد، در آغاز جمله ظاهر می‌گردد.

(۴۶) آیا آن مرد آنجاست؟

āyā ana mard-i a ankah-en
Que.part that man-def in there-Be

(۴۷) آیا آنها غذا خورده‌اند؟

āyā a:niyā xorāk še = xard-e
Que.part they food 3pl eat(pst)-prf

مؤلفه ۱۴: توالی پیرونیمای بند قیدی / حرف ربط قیدی و بند

پیرونیمای بند قیدی پیش از بند جای دارد.

(۴۸) وقتی که به اصفهان برسند، به ما اطلاع خواهند داد.

vaqti a esfahān be-res-en a a:mo xabar hād-en
when to Esfahan subj-reach-3pl to us information give-3pl

(۴۹) برای اینکه او در امتحان موفق شده‌است، آنها او را تشویق کردند.

ase ede ke te emtehān movafaq bod-e a:niyā ede tašviq šu = ki
because this that in exam lucky Be(pst)-prf they this encouragement 3pl = did

مؤلفه ۱۵: توالی حرف تعریف و اسم

پسوندها *-i* به‌عنوان نشانه حرف تعریف معرفه، پس از اسم به‌کار می‌رود. این نشانه معرفه‌ساز در ساخت موصوف و صفت مشاهده نمی‌شود.

(۵۰) کتابی

ketāb-i
book-def

(۵۱) مردی

mard-i
man-def

(۵۲) کتاب

ketāb-e
book-def

(۵۳) مرد

mard-e
man-def

مؤلفه ۱۶: توالی فعل و فاعل

فاعل همواره پیش از فعل ظاهر می‌شود (مثال‌های ۱ تا ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۳۳، ۳۶، ۴۶، ۴۷).

مؤلفه ۱۷: توالی عدد و اسم
عدد قبل از اسم به‌کار می‌رود.
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(۵۴) دو کتاب

do tā ketāb
two number book

(۵۵) سه مرد

se tā mard
three number man

مؤلفه ۱۸: توالی وند زمان - نمود و ستاک فعل

وند زمان گذشته به‌صورت پسوندها *-i(d)*، *-e/ad*، *-t/-* است که به ستاک فعل افزوده

می‌شود. در مثال‌های زیر ستاک‌های گذشته به صورت قاعده‌مند از ستاک‌های حال ساخته شده‌است.

(۵۶) الف. می‌بینم.

a-be: n-em
prog-see-1sg

ب. دیدم.

om = be: n-ad/ om = di
1sg = see-pst/1sg = saw

در مثال (۵۶)، دو ستاک گذشته قاعده‌مند و بی‌قاعده برای مصدر دیدن آمده‌است.

(۵۷) الف. بخوانم.

vā-xan-em
subj-read-1sg

ب. خوانده‌است.

oš = xan-d-e
3sg = read-pst-prf

(۵۸) الف. می‌خریم.

a-xel-am
prog-buy-1sg

ب. خریدیم.

mo = xel-i
1pl = buy-pst

(۵۹) الف. می‌گوییم.

a-go-m
prog-tell-1sg

ب. گفتم.

om = go-t
1sg = tell-pst

ج. گفته بودم.

om = go-t-e sun
1sg = tell-pst-prf Be(pst)



(۶۰) الف. می‌شناسم.

a-šenās-em
prog-know-1sg

ب. شناختم.

om = šenās-i
1sg = know-pst

(۶۱) الف. برسند.

be-res-en
subj-reach-3pl

ب. رسیدند.

ras-ed-en
reach-pst-3pl

ستاک گذشته مصدر رفتن در مقایسه با ستاک حال آن قاعده‌مند است (اضافه شدن پسوند -d)، اما در شکل ماضی نقلی و ماضی بعید بی‌قاعده است و به صورت raft-e ظاهر می‌شود. گفتنی است که صامت (ç) در زروانی همانند (چ) در فارسی تولید می‌شود.

(۶۲) الف. می‌روند.

a-çe-n
prog-go-3pl

ب. رفتند.

çe-d-en
go-pst-3pl

ج. رفته‌اند.

rafte-s-en
gone-Be(prst)-3pl

د. رفته بودند.

rafte sun-en
gone-Be(pst)-3pl

(۶۳) الف. بخورم.

a-xor-em
subj-eat-1sg

ب. خوردم.

om = xar(d)

1sg = eat-pst

در نمونه‌های زیر، ستاک‌های گذشته گاه با تغییر در واکه همراه می‌شوند. همچنین ستاک‌های بی‌قاعده نیز در این زبان وجود دارند.

(۶۴) الف. می‌دهم.

a-d-em

prog-give-1sg

ب. دادم.

om = da

1sg = gave

(۶۵) الف. می‌توانم.

m = a-šān

1sg = prog-can

ب. می‌توانستم.

m = a-šāden

1sg = prog-could

(۶۶) الف. نصیحت می‌کنند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

nasihat a-kon-en

advice prog-do-3pl

رتال جامع علوم انسانی

ب. نصیحتمان کرد.

nesihat mo = š ki

advice 1pl = 3sg did

(۶۷) الف. می‌آیند.

a-teyn-en

prog-come-3pl

ب. آمدند.

hond-en

come(pst)-3pl

(۶۸) الف. هستم.

hes-em

Be-1sg

ب. بودم.

bos-em

Be(pst)-1sg

نشانه مصدر -a به پایان ستاک گذشته فعل اضافه می‌شود. همچنین پسوند سببی‌ساز -en به ستاک حال فعل‌های این گویش اضافه می‌شود و پس از آن پسوند گذشته‌ساز -e/ad افزوده می‌شود.

(۶۹) خوابیدن

xat-a

slept-inf

(۷۰) خواباندن

xat-en-ad-a

sleep(pst)-cause-pst-inf

(۷۱) رسیدن

ras-ed-a

reach-pst-inf

(۷۲) رساندن

ras-en-ad-a

reach-cause-pst-inf

(۷۳) شکستن

šekast-a

broke-inf

(۷۴) شکاندن

šek-en-ad-a

break-cause-pst-inf

برای بیان مفهوم نمود استمراری، در زمان حال، از $\bar{a}/o-$ در پایان ستاک گذشته فعل استفاده می‌شود (مثال‌های ۳۳، تا ۳۵).

مؤلفه ۱۹: توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی

تکواژ آزاد ملکی که همان واژه‌بست ملکی است، پس از اسم می‌آید.

(۷۵) کتابم

ketāb = om

book = 1sg

(۷۶) دوستش

rafiq = oš

friend = 3sg

(۷۷) دوستانم

rafiq = mo

friend = 1pl

(۷۸) دوست خوبانم

rafiq-e xub = mo

friend-Ez good = 1pl

(۷۹) کار سختشان

kar-e saxt = šo

Job-Ez hard = 3pl



مؤلفه ۲۰: توالی فعل اصلی و فعل (های) کمکی در مفهوم توانستن

فعل کمکی در مفهوم توانستن، پیش از فعل اصلی قرار دارد.

(۸۰) می‌توانم بخوانم.

m = a-šān

vā-xan-em

1sg = prog-can

subj-read-1sg

(۸۱) می‌توانند بروند.

š = a-šān

o-če-n

3pl = prog-can

subj-go-3pl

مؤلفه ۲۱: توالی متمم‌نما و جمله متمم

متمم‌نما، یا همان نشانه بند پیرو در آغاز جمله متمم (پیرو) می‌آید. کاربرد متمم‌نما در آغاز

جملهٔ پیرو اختیاری است (مثال ۸۲).

(۸۲) من می‌دانم که آن مرد مهربان است.

ma a-dan-em ana mard-i mehrabun-e
I prog-know-1sg (that) man-def kind Be(prst)

(۸۳) آن مرد سعی کرد که به سؤال‌ها جواب دهد.

ana mard-i say = oš ki ke a so?āliyā javāb hād-i
that man-def try = 3sg that to questions answer give-3sg

مؤلفهٔ ۲۲: حرکت پرسش‌واژه

پرسش‌واژه در جای اصلی خود می‌ماند و به ابتدای جمله حرکت نمی‌کند.

(۸۴) کی (چه کسی) آمد؟

ke hond
who came

(۸۵) علی کتاب را به کی داد؟

ali ketāb š = e ke da
Ali book 3sg = to who gave

(۸۶) مریم نامه را به مینا کی نوشت؟

maryam nāme ase minā key oš = nevešt
Maryam letter for Mīna when 3sg = wrote

مؤلفهٔ ۲۳: توالی مفعول و فعل

مفعول صریح گروهی پیش از فعل قرار می‌گیرد (مثال‌های ۱ تا ۵، ۱۰ و ۴۷)، اما مفعول بندی پس از فعل ظاهر می‌شود (مثال‌های ۱۹، ۲۰ و ۸۲).

(۸۷) آنها خودشان را در آینه دیدند.

a:niyā xo = šo dāxele āyna šo = ben-ad
they self = 3pl in mirror 3pl = see-pst

منفی‌ساز و ستاک فعل) در منطقه زبان‌های اروپا - آسیا و زبان‌های کل جهان فعل میانی قوی، ولی فعل پایانی ضعیف است.

ث) در مؤلفه‌های ۲ (توالی هسته اسمی و بند موصولی)، ۹ (توالی موصوف و صفت)، ۱۵ (توالی حرف تعریف و اسم) و ۱۹ (توالی اسم و تکواژ ملکی)، مشخصه‌های رده‌شناختی دو رده فعل پایانی و فعل میانی در زبان‌های اروپا - آسیا و جهان یکدست نیستند. به بیان دیگر، در مؤلفه ۲، فعل میانی قوی و فعل پایانی ضعیف در منطقه زبان‌های اروپا - آسیا ولی در کل زبان‌های جهان فعل میانی و فعل پایانی قوی است. در مؤلفه ۹، فعل پایانی و میانی ضعیف در منطقه زبان‌های اروپا - آسیا ولی فعل میانی و فعل پایانی قوی در کل زبان‌های جهان است. در مؤلفه ۱۵، فعل پایانی و میانی ضعیف در منطقه زبان‌های اروپا - آسیا ولی فعل میانی ضعیف و فعل پایانی قوی در کل زبان‌های جهان است. در مؤلفه ۱۹، فعل میانی قوی و فعل پایانی قوی در منطقه زبان‌های اروپا - آسیا ولی فعل میانی قوی و فعل پایانی ضعیف در کل زبان‌های جهان است.

با صرف نظر کردن از مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک در دو رده فعل میانی و فعل پایانی، در دسته‌های (الف) و (ب)، اختلاف آماری دسته (ت) با ۷ مؤلفه فعل میانی قوی و دسته (پ) با ۴ مؤلفه فعل پایانی قوی در منطقه زبان‌های اروپا - آسیا و جهان، عدد ۳ می‌شود. به بیان دیگر، زروانی در ۳ مؤلفه در منطقه زبان‌های اروپا - آسیا و جهان فعل میانی تر است. از سوی دیگر، با لحاظ کردن مؤلفه‌های دسته (ث) و مقایسه آنها در جدول‌های ۱ و ۲، می‌توان گفت که در مجموع، گویش زروانی در سطح زبان‌های منطقه اروپا-آسیا در یک مؤلفه اضافی دیگر، فعل میانی تر است.

۵. حالت‌نمایی و نظام مطابقه

در این بخش ضمن بیان الگوهای حالت‌نمایی و نظام مطابقه بنابر نظر کامری (1978; 1989)، که مشتمل بر پنج نظام منطقاً محتمل برای اختصاص حالت به سازه‌های اصلی جمله است، نظام مطابقه و حالت‌نمایی در گویش زروانی مطابق با الگوهای مذکور بررسی می‌شود.

۱.۵. سه سازه اصلی دستوری - معنایی (O, S, A) و نمونه‌های متفاوت حالت‌نمایی به گفته سونگ (2001: 140-147) حالت‌نمایی از منظر رده‌شناسی زبان، به‌طور سنتی معطوف به بررسی سه سازه اصلی دستوری - معنایی، یعنی، فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (P) بوده‌است که می‌توانند با همه فعل‌ها (یعنی، فعل‌های کنشی یا غیرکنشی)، به‌کار روند. دیکسون (8: 1994) در این باره گفته‌است، چنانچه در جمله‌ای دو سازه اصلی وجود داشته باشد، سازه‌ای که بیشترین نقش را در انجام فعل دارد، به‌عنوان عامل (A) و سازه اصلی دیگر، پذیرا (O) تلقی می‌شود. برای اختصاص حالت به سازه‌های اصلی جمله، یعنی، فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (P)، کامری (1978; 1989) پنج نظام منطقاً محتمل را ارائه کرده‌است که بر اساس آن گویش زروانی سنجیده می‌شود.

۱.۱.۵. نظام فاعلی - مفعولی

A	S	P
---	---	---

نظام فاعلی - مفعولی رایج‌ترین نظام مطابقت در میان زبان‌های جهان است (Dixon 1994: 40). در نظام فاعلی - مفعولی، به‌لحاظ حالت‌نمایی و یا مطابقت (مطابقت از طریق شناسه فعلی یا واژه‌بست ضمیری)، فاعل فعل لازم (S) و فاعل فعل متعدی (A) شکل یا رفتار نحوی یکسانی دارند که متفاوت از مفعول فعل متعدی است. در گویش زروانی، نظام فاعلی - مفعولی مبتنی بر مطابقت است. به بیان دیگر، برای ارجاع به فاعل فعل متعدی در زمان حال و فاعل فعل لازم فارغ از هر زمانی، از شناسه‌های فعلی یکسانی استفاده می‌شود. مفعول فعل متعدی در زمان حال، در حالت اسم یا ضمیر شخصی منفصل، بدون نشانه است، ولی می‌تواند از طریق مطابقت غیرمستقیم، یعنی با استفاده از واژه‌بست‌های ضمیری یا پیش‌بست‌های ضمیری غیرفاعلی ظاهر شود. شناسه‌های فعلی برای اشاره به فاعل در نظام مطابقت فاعلی - مفعولی به‌قرار زیر است:

مفرد: (۱. -em، ۲. -eš، ۳. -ø/-n/-i/-y/-u/ جمع: (۱. -am، ۲. -ey، ۳. -en)

(۱) او در فروشگاه برای من کار می‌کند.

ana a te duku ase ma kār a-ku-y
 he/she in store for me work prog-do-1sg

(۲) آنها روی زمین خوابیدند.

a:niyā ali zemi xat-en
 they on ground slept-3pl

(۳) من کتاب را می‌خرم.

ma ketāb a-xel-em
 I book prog-buy-1sg

(۴) آنها آن زنان را می‌بینند.

a:niyā ana zin-i-yā a-be:n-en
 they that-woman-def-plural prog-see-3pl

(۵) به آنها می‌گویم.

a:niyā a-go-m
 them prog-tell-1sg

(۶) می‌بینمشان.

ša: = be:n-em
 3pl.prog = see-1sg

(۷) تشویقشان می‌کنی.

tašviq ša: = kon-eš
 encouragement pl.prog = do-2sg

گفتنی است که در جمله‌های شماره (۶) و (۷)، در نتیجه عملکرد فرایند واجی ادغام واکه پایانی پیش‌بست ضمیری جمع (ša/o/e) و واکه نمود ناقص (a)، صورت (ša:) حاصل شده‌است. در این باره، نگارنده نشانه پیش‌بست را بعد از واکه مرکب به‌کار برده‌است.

۲.۱.۵. نظام غیرفاعلی - مفعولی

این الگو در بندهای ساخته‌شده از فعل متعدی در زمان گذشته و زمان‌های مشتق از آن

بازنمایی می‌شود. الگوی نام‌برده خود به سه رده کُنایی - مطلق، سه‌بخشی، و غیرفاعلی - غیرفاعلی تقسیم می‌شود. فاعل فعل متعدی (A)، در تمام رده‌های آن، الزاماً با واژه‌بست‌ها یا پیش‌بست‌های فاعلی غیرفاعلی (یا همان ضمایر متصل فاعلی) مضاعف می‌شود. پیش‌بست‌های فاعلی مذکور در الگوی غیرفاعلی - مفعولی که شبیه پی‌بست‌های ملکی هستند عبارت‌اند از: مفرد: (۱).
 جمع: (۱). om = .۲. ot = .۳. oš = .۳. (šo/ še/ša/ šu = .۳. to = .۲. mo = .۱).

در گویش زروانی، پیش‌بست‌های مطابقت با فاعل فعل متعدی در نظام ارجاع‌دهی غیرفاعلی - مفعولی، به اولین سازه جمله اضافه نمی‌شوند. به عبارت دیگر، زروانی از قانون واکرناگل پیروی نمی‌کند. در واقع، میزبان پیش‌بست مطابقت با فاعل گروه حرف‌اضافه‌ای + فعل، و یا فعل است. به هر روی، بسته به نحوه بازنمایی مفعول فعل متعدی (p)، مطابقت غیرفاعلی - مفعولی در این گویش، به سه رده کُنایی - مطلق، سه‌بخشی، و غیرفاعلی - غیرفاعلی یا دوبخشی تقسیم می‌شود:

۱.۲.۱.۵. رده کُنایی - مطلق

P	S	A
---	---	---

در این رده، فاعل فعل متعدی (A) الزاماً از طریق واژه‌بست‌ها یا پیش‌بست‌های فاعلی بازنمایی می‌شود. اما مفعول فعل متعدی (P) نه به صورت اسم یا ضمیر شخصی منفصل، بلکه به وسیلهٔ پسوندها یا شناسه‌های فعلی‌ای ظاهر می‌شوند که شبیه به شناسه‌های مطابقت با فاعل در الگوی فاعلی - مفعولی می‌باشند (مثال‌های ۸ تا ۱۴). به بیان دیگر، شناسه‌های مطابقت با فاعل فعل لازم و مفعول فعل متعدی در زمان گذشته شبیه به یکدیگرند، ولی فاعل فعل متعدی در زمان گذشته با واژه‌بست‌ها یا پیش‌بست‌های ضمیری غیرفاعلی ظاهر می‌شود.

(۸) شناختمت.

om = šenāxt-eš / om = šenās-ed-eš
 1 sg = knew-2sg / 1 sg = know-pst-2sg

(۹) دیدمشان.

om = be: n-ad-en
1sg = see-pst-3pl
1sg = see-pst-3pl

(۱۰) او مرا شناخت.

oš = šenās-ed-em
3pl = know-pst-1sg

(۱۱) نصیحتشان کردیم.

nasihat mo = kerd-en
advice 1pl = did-3pl

(۱۲) بهم گفت.

oš = got-em
3sg = told-1sg

(۱۳) تشویقت کردند.

tašviq šo = kerd-eš
encouragement 3pl = did-2sg

(۱۴) ما رازد.

oš = zat-am
3sg = hit-1sg



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲۰۲۰۱۵ رده سه‌بخشی

A	S	P
---	---	---

در رده سه‌بخشی، سه حالت‌نمای متفاوت برای سه سازه اصلی جمله به‌کار می‌رود (Comrie 1989: 125). به‌نظر می‌رسد نظام سه‌بخشی در میان زبان‌های جهان نادر است (Comrie 1989; Dixon 1994; Song 2001). به باور دیکسون (Ibid)، نادر بودن نظام سه‌بخشی در زبان‌های جهان می‌تواند به این علت باشد که به‌لحاظ برخی مشخصه‌های دستوری، معنایی و کلامی جهانی، فاعل فعل لازم (S) در مواردی شبیه به فاعل فعل

متعدی (A) و در موارد دیگر شبیه به مفعول فعل متعدی (P) است. نظام سه‌بخشی در زبان‌های ونگ‌کومارا^۱ از زبان‌های بومی استرالیا و یزغلامی از خانواده زبان‌های ایرانی جنوب شرقی (در زمان گذشته) نیز مشاهده شده است (Song 2001: 145-146).

در گویش زروانی، رده سه‌بخشی، نه به لحاظ حالت‌نمایی، بلکه به لحاظ مطابقه مشاهده می‌شود و برخلاف گفته کامری، دیکسون و سونگ، این رده در زروانی بسیار فعال و زیاست. در رده سه‌بخشی (۱) فاعل فعل لازم (S) در نظام فاعلی - مفعولی از طریق شناسه‌های فعلی یا پسوندهای مطابقه فاعلی بازنمایی می‌شود، (۲) مفعول فعل متعدی به صورت اسم یا ضمیر شخصی منفصل ظاهر می‌شود، و (۳) فاعل فعل متعدی (A) در نظام غیرفاعلی - مفعولی الزاماً به وسیله واژه‌بست فاعلی ظاهر می‌شود. جملات ۱۵ تا ۲۴ در ساخت متعدی زمان گذشته‌اند و در مطابقه غیرفاعلی - مفعولی، رده سه‌بخشی ظاهر شده‌اند.

(۱۵) الف. من کتاب را به مریم دادم.

ma ketāb m = a maryam da
 I book 1sg = to Maryam gave

ب. من کتاب را به مریم دادم.

ma ketāb a maryam om = da
 I book to Maryam 1sg = gave

(۱۶) الف. آنها کتاب را از مریم گرفتند.

a:niyā ketāb az maryam še = vos-i
 they book from Maryam 3pl = get-pst

ب. آنها کتاب را از مریم گرفتند.

a:niyā ketāb š = az maryam vos-i
 they book 3pl = from Maryam get-pst

(۱۷) آن مرد کتاب را نخواند.

ana mard-i ketāb oš = ne-xand
 that man-def book 3sg = neg-read(pst)

(۱۸) حسن به شما چه گفت؟

hasan š = a-šomā çe got
Hasan 3sg = to-you what said

(۱۹) دادی به مینا؟

ot = da (a) mina
2sg = gave (to) Mina

(۲۰) من تو را دیدم.

ma te om = di
I you 1sg = saw

(۲۱) او مرا کشت.

ana ma = š košt
he/she me = 3sg killed

(۲۲) آنها ما را گرفتند.

a:niyā a:mo = še geret
they us = 3pl got

(۲۳) مادرمان و مینا بزها را دوشیدند.

nanā = mo xoy mina kara-yā = še dot (dos-ed)
mother = 1pl and Mina goat-pl = 3pl milked (milk-pst)

(۲۴) آنها خودشان را در آینه دیدند.

a:niyā xo = šu ate āyna šu = be:n-ad
they self = 3pl in mirror 3pl = see-pst

گفتنی است که در نظام مطابقه غیرفاعلی - مفعولی، فعل متعدی به صورت ستاک گذشته فعل در سوم شخص مفرد ظاهر می‌شود. باین وصف، در مثال‌های ۹، ۱۰، ۱۶، ۲۳ و ۲۴ وند زمان - نمود (-ad) برخلاف قاعده اصلی به ستاک گذشته فعل اضافه شده است.

۳.۲.۱.۵. رده غیرفاعلی - غیرفاعلی^۱ یا دوبخشی

A	P	S
---	---	---

در انگاره غیرفاعلی - مفعولی، رده غیرفاعلی - غیرفاعلی، فعل متعدی بدون شناسه است. فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی، هر دو از طریق مطابقت غیرمستقیم یا غیرفاعلی بازنمایی می‌شوند. به باور کامری (1989: 125) چنین رده‌ای نیز، در میان زبان‌های جهان، بسیار نادر است. با این حال، این رده در زروانی فعال است.

(۲۵) نصیحتان کرد.

nesihat mo = š = ki
advice 3pl = 1sg = did

(۲۶) نصیحتان کردند.

nesihat mo = šo = ki
advice 1pl = 3pl = did

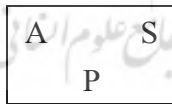
(۲۷) کمکت کردم.

komak = ot om = ki
help = 2sg 1sg = did

(۲۸) کمکم کردند.

komak = om šo = ki
help = 1sg 3pl = did

۳.۱.۵. نظام خنثی



گویش زروانی به لحاظ حالت‌نمایی اسم یا ضمیر شخصی منفصل، خنثی یا بدون نشانه است. به بیان دیگر، در این نظام هیچ‌گونه تمایز صوری برای هر سه سازه اصلی در جمله وجود ندارد. به عقیده کامری (1989: 125)، نظام خنثی نیز در زبان‌های جهان چندان مرسوم نیست. با وجود این، گویش زروانی علاوه بر استفاده از دو نظام مطابقت فاعلی - مفعولی و غیرفاعلی - مفعولی، به لحاظ حالت‌نمایی اسم یا ضمیر شخصی منفصل، خنثی یا بدون نشانه است (مثال‌های ۳، ۴، ۱۵ تا ۱۸، ۲۰، ۲۲ و ۲۳ در بخش ۵).

۴.۱.۵. الگوی‌های مطابقه نامنظم

در این بخش شاهد مثال‌هایی هستیم که فعل‌های مربوطه، مطابق با دو الگوی کلی مطابقه در گویش زروانی عمل نمی‌کنند. مصدرهای خواستن، داشتن، توانستن و برخی از فعل‌های لازم مرکب، در هر دو زمان حال و گذشته، مطابق با الگوی مطابقه غیرفاعلی - مفعولی عمل می‌کنند. (۲۹) آهسته دویدند.

ya:vāš ša = xiz ki
slowly 3pl = run did

(۳۰) آنها می‌خوانند درس بخوانند .

a:niyā š = a-ysā dars vā-xen-en
they 3pl = prog-want lesson subj-read-3pl

(۳۱) الف. می‌توانم.

m = a-šān
1sg = prog-can

می‌توانی.

t = a-šān
2sg = prog-can

می‌تواند.

š = a-šān
3sg = prog-can

می‌توانیم.

m = a:-šān
1pl = prog-can

می‌توانید.

t = a:-šān
2pl = prog-can

می‌توانند.

š = a:-šān
3pl = prog-can

ب. می‌توانستم.

m = a-šāden
1sg = prog-could



(۳۲) الف. من کتاب دارم.

ma ketāb om = en
 I book 1sg = have

ب. تو کتاب داری.

to ketāb ot = en
 you book 2sg = have

پ. او کتاب دارد.

ana ketāb oš = en
 he/she book 3sg = has

ت. ما کتاب داریم.

a:mo ketāb mo = hen
 we book 1pl = have

ث. شما کتاب دارید.

šomo ketāb to = hen
 you book 2pl = have

ج. آنها کتاب دارند.

a:niyā ketāb šo = hen
 they book 3pl = have

(۳۳) الف. من کتاب داشتم.

ma ketāb om = bode
 I book 1sg = had

ب. تو کتاب داشتی.

to ketāb to = bode
 you book 2sg = had

پ. او کتاب داشت.

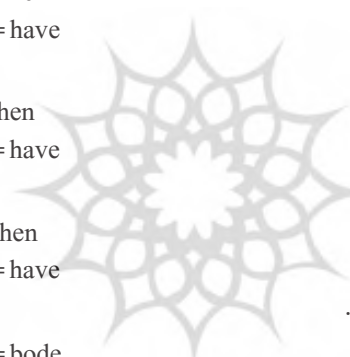
ana ketāb oš = bode
 he/she book 3sg = had

ت. ما کتاب داشتیم.

a:mo ketāb mo = bode
 we book 1pl = had

ث. شما کتاب داشتید.

šoma ketāb to = bode
 you book 2pl = had



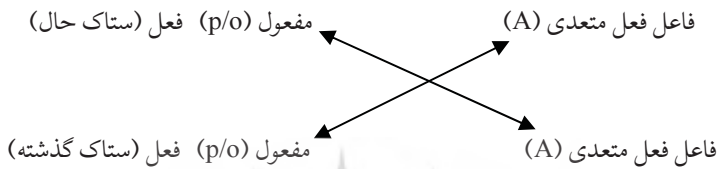
شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

ج. آنها کتاب داشتند.

a:niyā ketāb šo = bode
 they book 3pl = had

۵.۱.۵. انطباق نقش‌های دستوری به لحاظ مطابقت در فعل‌های متعدی

انگاره انطباق نقش‌های دستوری



انگاره فوق انطباقی است بین الگوی فاعلی - مفعولی و الگوی غیرفاعلی - مفعولی. واژه‌بست‌ها یا پیش‌بست‌های ضمیری (مفرد: ۱. om = ، ۲. ot = ، ۳. oš = / جمع: ۱. mo = ، ۲. to = ، ۳. šo/ še/ša/ šu =) که مفعول را در الگوی فاعلی - مفعولی مورد ارجاع قرار می‌دهند، همانند واژه‌بست‌ها یا پیش‌بست‌هایی هستند که فاعل را در تمام رده‌های الگوی غیرفاعلی - مفعولی بازنمایی می‌کنند. از سوی دیگر، شناسه‌های فعلی مفرد: (۱. -em ، ۲. -eš ، ۳. -y/-u -i -n / -ø / جمع: ۱. -am ، ۲. -ey ، ۳. -en) که فاعل فعل متعدی (A) در زمان حال و فاعل فعل لازم (S) فارغ از هر زمانی را در الگوی فاعلی - مفعولی بازنمایی می‌کنند، همانند شناسه‌های مطابقت مفعولی برای بازنمایی مفعول صریح یا غیرصریح، در الگوی غیرفاعلی - مفعولی رده کُنائی - مطلق هستند. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۴۳۱) معتقد است که انگاره فوق، به روشنی نقش وارونگی کامل را نشان می‌دهد. در نقش وارونگی کامل، انطباق بین نقش‌های دستوری متقاطع است.

(۳۴) الف. آنها آمده‌اند.

a:niyā hond-e-s-en
 they come(pst)-prf-Be-3pl

ب. دیدمشان.

om = be:n-ad-en
 1sg = see-pst-3pl

(۳۵) الف. نصیحتان می‌کنند.

nasihat **m** = a-kon-en
advice 1pl = prog-do-3pl

ب. نصیحتشان کردیم.

nasihat **mo** = kerd-en
advice 1pl = did-3pl

۲.۵. نتیجه‌گیری در قلمرو حالت‌نمایی و نظام مطابقت

به‌طور کلی، سازوکار نظام مطابقت در گویش زروانی براساس دو مشخصه گذرایی و زمان دستوری، به دو صورت فاعلی - مفعولی و غیرفاعلی - مفعولی تقسیم می‌شود. مطابقت فاعلی - مفعولی در فعل‌های لازم فارغ از هر زمانی و فعل‌های متعدی در زمان حال مشاهده می‌شود و فاعل دستوری از طریق شناسه‌های فعلی در فعل بازنمایی می‌شود. مفعول با فعل مطابقت مستقیم ندارد، ولی می‌تواند از طریق اسم، ضمیر شخصی منفصل و یا به‌صورت غیرمستقیم از طریق واژه‌بست‌های ضمیری مفعولی نمود یابد. مطابقت غیرفاعلی - مفعولی در فعل‌های متعدی مشتق از زمان‌های گذشته بازنمایی می‌شود و به سه رده سه‌بخشی، گنایی - مطلق و غیرفاعلی - غیرفاعلی یا دوبخشی تقسیم می‌شود. در سه رده مذکور، در صورت حضور و یا عدم حضور فاعل / عامل (خواه به‌صورت اسم، خواه به‌صورت ضمیر منفصل)، واژه‌بست‌های ضمیری فاعلی / عاملی به‌صورت پیش‌بست، الزاماً به گروه حرف اضافه‌ای یا ستاک فعل اصلی اضافه می‌شوند. در واقع، میزبان پیش‌بست‌های مطابقت با فاعل گروه حرف اضافه‌ای + فعل یا ستاک فعل است. بنابراین، پیش‌بست‌های ضمیری مذکور در گویش زروانی مطابق با قانون واکرنگل، الزاماً به اولین سازه دستوری جمله اضافه نمی‌شوند. گویش زروانی به‌لحاظ حالت‌نمایی اسم یا ضمیر شخصی منفصل، خنثی است. به بیان دیگر، در این نظام، هیچ‌گونه تمایزی به‌لحاظ حالت‌نمایی برای هر سه سازه اصلی در جمله وجود ندارد. در این گویش برخلاف قاعده کلی مطابقت، مصدرهای وجهی خواستن و توانستن، مصدر تملکی داشتن و برخی از فعل‌های لازم مرکب در هر دو زمان حال و گذشته، مطابق با الگوی مطابقت غیرفاعلی - مفعولی عمل می‌کنند. نقش‌های دستوری شناسه‌های

مطابقهٔ فاعلی و مفعولی از یک‌سو، و واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی از سوی دیگر، در دو نظام فاعلی - مفعولی و غیرفاعلی - مفعولی وارونه یا متقاطع است.

فهرست نمادها و علائم اختصاری

نشانهٔ نماد	توضیح	نشانهٔ نماد	توضیح
prf	نشانهٔ اسم مفعول	-	پیوند واجی در وندافزایی
prog	تکواژ نمود ناقص (یا استمراری)	=	پیوند واجی در واژه بست‌افزایی
pst-	نشانهٔ گذشته	pl	نشانهٔ شخص جمع یا تکواژ جمع
(pst)	فعل در شکل گذشته	sg	نشانهٔ شخص مفرد
def	نشانهٔ معرفه	subj	وجه التزامی
indef	نشانهٔ نکره	inf	نشانهٔ مصدر
neg	تکواژ نفی	Ez	کسرهٔ اضافه
/	یا	∅	تکواژ صفر

منابع

شهبازی، امینه، ۱۳۹۵، مونوگرافی صحرای باغ، رسالهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
دبیرمقدم، محمد، ۱۳۹۲، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی ۲، ج، تهران.

- Anderson, S. R., 2005, *Aspects of the Theory of Clitics*, New York.
- Brown, K., and Miller, J., 2013, *The Cambridge Dictionary of Linguistics*, Cambridge.
- Comrie, B. 1978, "Ergativity", *Syntactic Typology: Studies in the Phenomenology of Language*, ed. W. P. Lehman, Austin, pp. 329-394.
- _____, 1989, *Language Universals and Linguistic Typology*, Chicago.
- Corbett, G. G., 2008, *Agreement*, Cambridge.
- Dixon, R. M. W., 1994, *Ergativity*, Cambridge.
- Dryer, M. S., 1992, "The Greenbergian Word Order Correlations", *Language* 68, pp. 81-138.
- Greenberg, J. H., 1963, "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements", *Universals of Language*, ed. J. H., Greenberg, Cambridge, pp. 73-113.

- _____, 1966, *Language Universals with Special Reference to Features Hierarchies*, The Hague.
- Lehmann, W. P., 1973, "A Structural Principle of Language and Its Implications", *Language* 49, pp. 47-66.
- Seely, J. 1977, "An Ergative Historiography", *Historiographia Linguistica*, vol. 4: 2, pp. 191-206.
- Song, J. J., 2001, *Linguistic Typology: Morphology and Syntax*, Harlow.
- Spencer, A., 1991, *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*, Oxford.
- Vennemann, T., 1974, "Topics, Subject and Word Order: SXV to SVX via TVX", *Historical Linguistics: Proceedings of the First International Conference on Historical Linguistics*, Edinburg, 3-7 September 1973, 2 vols., ed. M. Anderson and C. Jones, Amsterdam, pp. 339-376.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی